

سالروز آغاز امامت و ولایت حضرت بقیة الله الاعظم، حجة ابن الحسن العسكري علیه السلام

بر تمامی شیعیان جهان مبارک باد.

السلام علیکم وعلیٰ آئینکم یا ابا صالح المهدی

روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

امام مهدی علیه السلام:

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود گرفتاری ها به شما روی می آورد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند؛ از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.

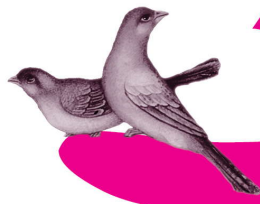
ما نیازمند تجدید عهد هستیم...

شرق اسلامی برای قرار گرفتن در مدار ظهور کبرای امام زمان علیه السلام، نیازمند توبه بزرگ است. غرب با تجربه بحران و بن بست به توبه از عهد قبلی. عهد با شیطان برای تجربه بهشت در زمین. ما نیز نیازمند توبه ایم. توبه از پیروی از «فرهنگ و تمدنی» که عهد با شیطان را در خود و با خود داشت. برخی تصمیم گیری های ما حکایت از آن می کند که شناخت کاملی از مهدویت نداریم. گاهی بدان با نگاهی مناسبتی می نگریم و با فرا رسیدن ایام جشن میلاد حضرت صاحب الزمان علیه السلام بساط سور و شادی فراهم می آوریم و شهر را آذین می بندیم و فردایش آن بساط را جمع کرده به کار و باری دیگر مشغول می آییم. گاهی از آن مهربی برای کارنامه بی سر و ته خودمان می سازیم تا آن کارنامه حیثیتی قابل قبول بیاید. جماعتی هم گره گشایی از کار و بارشان را در این گفت و گو و ذکر نام امام علیه السلام جست و جو می کنند. عرض می کردم فقدان شناخت و تعریف جامعی از «مهدویت» باعث شده تا عموم مناسبت های ملی و مذهبی ما فاقد سوگیری مهدوی و عنصر مهدویت باشد. شاید از همین روست که در ایام عاشورا و اربعین برنامه مهدوی رادیو تعطیل می شود. چون مناسبتی بدان نگریسته می شود. به همان سان که در هیچ یک از جشنواره ها خبری از مهدویت نیست. آری، همه چیز با «عهد جمعی انسان غربی» برای پشت کردن به دین آغاز شد و همه آینده نیز در گرو «عهد جمعی» برای رویکرد به امام مبین و حجت حق است. «عهدی که مستور و مضمحل در مهدویت و فرهنگ مهدوی است.» در حالی که شرق اسلامی، در رویارویی با غرب الحادی، غافل از این ماجرا و راز مستور است. شرق اسلامی در حالی از مهدویت سخن می گوید که دل به عهد ماضی غربی خوش داشته و در هوای تجربه مدرنیته کامل از باقی مانده عناصر دین خود نیز می گذرد. ما نیازمند تجدید عهد هستیم. عهد جمعی با تضمین قلبی برای هم افق شدن با حجت حق خداوند.

قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه

پروردگارا! ما را در راه خود ثابت قدم بدار؛ ما را از بندگان شایسته و صالح خود قرار بده؛ نیت های ما و دل های ما را پاک و خالص کن؛ امام عزیز ما را در میان اولیاء و بندگان صالح خود رتبه ای ارجمند بده؛ شهدای عزیز ما را با شهدای صدر اسلام محشور کن؛ ملت های مسلمان را از سختی ها، بدبختی ها و ذلت ها نجات بده؛ ملت ایران را در راه پربرکتی که در پیش گرفته است، روزبه روز بیشتر تأیید کن؛ قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه را از ما راضی و خشنود بگردان؛ مسئولان خدمتگزار مردم را موفق و مؤید بدار؛ دشمنان این ملت را منکوب کن؛ شر آنها را به خودشان برگردان.

... مقام معظم رهبری ...



رجعت

اشاره:

به اعتقاد شیعیان، پیش از برپایی قیامت کبرا و همزمان با ظهور امام مهدی علیه السلام، گروهی از مؤمنان و پرهیزکاران پاکسرشت و جمعی از کافران و منافقان زشت‌طینت، پس از مرگ، زنده می‌شوند و بار دیگر به دنیا باز می‌گردند تا سرانجام اعمال نیک و بد خود را دریابند و حاکمیت نهایی دولت حق را مشاهده کنند. در آموزه‌های شیعی از این رویداد با عنوان «رَجَعَت» یاد می‌شود.

از آنجا که این رویداد بزرگ از رویدادهای مرتبط با ظهور امام مهدی علیه السلام و استقرار دولت مهدوی است، در این مقاله به اختصار به بررسی معنا و مفهوم و ویژگی‌های رجعت، دلایل و مستندات آن و جایگاه این موضوع در قرآن و روایات می‌پردازیم.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی رجعت

«رجعت» از نظر لغوی، مصدر «مرَّه» از ماده «رجوع» و به معنای «یک بار بازگشت» است. این واژه در علوم مختلفی همچون فقه، کلام، عرفان، نجوم و جامعه‌شناسی به کار می‌رود و در هر علمی، معنای خاص خود را دارد. در اصطلاح اهل کلام، رجعت به معنای بازگشت به دنیا پس از مرگ و پیش از رستاخیز است که این همان

معنای مورد نظر ماست. شیخ مفید رحمته الله در تعریف این اصطلاح کلامی می‌نویسد:

«خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که در گذشته بودند، به دنیا باز می‌گرداند و گروهی را عزیز و گروهی را خوار می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل و ستم‌دیدگان از اهل حق را بر ستمگران چیره می‌گرداند. این رویداد در هنگام قیام مهدی آل محمد - بر ایشان درود باد - رخ خواهد داد.»

دیگر دانشمندان شیعه نیز در کتاب‌های خود تعاریفی مشابه، از این واژه ارائه داده‌اند. از تعریف یاد شده چند نکته به دست می‌آید:

۱. رجعت‌کنندگان با همان بدن مادی و به همان صورتی که

پیش از آن داشتند، به دنیا برمی‌گردند؛

۲. رجعت، عمومی نیست و تنها گروهی از مردگان چه اهل حق و چه از اهل باطل، رجعت خواهند کرد؛

۳. رجعت در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام رخ می‌دهد؛

۴. فلسفه رجعت، عزیز گردانیدن اهل حق و خوار کردن اهل باطل و چیره‌ساختن ستم‌دیدگان بر ستمگران است.

باید دانست که در متون روایات و ادعیه و زیارت، از رجعت با تعبیری چون «کره» و «ایاب» - به معنای بازگشت - نیز یاد شده است.

۲. جایگاه رجعت در آموزه‌های شیعی

همه دانشوران بزرگ شیعه، اعتقاد به رجعت را از ویژگی‌های پیروان امامان معصوم علیهم السلام بر شمرده و پیروی از مذهب تشیع و اعتقاد به رجعت را ملازم یکدیگر دانسته‌اند. علامه مجلسی رحمته الله بیش از پنجاه تن از عالمان شیعه را نام می‌برد که اصل رجعت را پذیرفته و روایات مربوط به آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

قرآنی متعددی درباره رجعت، می‌نویسد:

رجعت در امت‌های پیشین هم وجود داشته است. پیامبر اسلام - درود و سلام خدا بر او باد - فرمود: «همه آنچه در امت‌های پیشین رخ داده است بی‌هیچ کم و کاست و با کمترین تفاوت در این امت هم رخ می‌دهد...» بنا بر این اصل، در این امت هم رجعت رخ خواهد داد.

شیخ مفید رحمته الله نیز در پاسخ پرسشی درباره رجعت می‌نویسد: این موضوع [اعتقادی] از ویژگی‌های خاندان محمد صلی الله علیه و آله است و قرآن نیز بر آن گواهی می‌دهد.

شیخ طوسی رحمته الله پس از بیان موضوع رجعت می‌نویسد: روایات متواتر و آیات [قرآن] بر این موضوع دلالت دارند و خداوند تعالی می‌فرماید: «و آن روزی که از هر امتی گروهی را محصور می‌گردانیم» پس اعتقاد به رجعت واجب است.

سید مرتضی رحمته الله در پاسخ کسانی که درباره حقیقت رجعت از ایشان پرسیده بودند، پس از بیان مفهوم رجعت درباره دلایل و مستندات آن می‌گوید: راه اثبات آن، اجماع امامیه بر وقوع این رویداد است. آنها در این زمینه هیچ اختلافی ندارند.

سرانجام شیخ حر عاملی در کتاب خود، اجماع طائفه امامیه را یکی از دوازده دلیل درستی رجعت دانسته

است و در بیان یکی از مؤیدات این اجماع می‌نویسد: یکی دیگر از اموری که دلالت

بر این اجماع می‌کند فزونی نو پسند گانی است که روایات مربوط به رجعت را در کتاب‌های مستقل یا غیر مستقل گرد آورده‌اند... که تعداد آنها از هفتاد کتاب تجاوز می‌کند، کتاب‌هایی که علمای بزرگ امامیه؛ همچون ثقة‌الاسلام کلینی، رئیس محدثان ابن بابویه، رئیس طائفه [امامیه] ابوجعفر طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشی، عیاشی، علی بن ابراهیم، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراجکی، نعمانی... آنها را تألیف کرده‌اند.

با توجه به عبارت‌های یادشده قاطعانه می‌توان گفت موضوع رجعت از دیدگاه عالمان بزرگ شیعه، امری مسلم و قطعی بوده و در همه ادوار تاریخ شیعه، بر اعتقاد به رجعت به عنوان یکی از آموزه‌های تردیدناپذیر مکتب اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است.

... ابراهیم شفیعی سروستانی ...



ایشان در این باره می‌نویسد:

«[اعتقاد به] رجعت در تمام دوره‌ها مورد اجماع شیعه و مانند خورشیدی که در میانه روز می‌درخشد، در میان آنها مشهور بوده است. تا آنجا که این موضوع را در اشعار خود می‌آوردند و به این موضوع در برابر مخالفان خود در همه مناطق استدلال می‌کردند. مخالفان شیعه نیز همواره به خاطر این موضوع بر آنها خرده می‌گرفتند. در اینجا برای روشن‌تر شدن موضوع به عبارت‌های چند تن از بزرگان علمای شیعه به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم. شیخ صدوق در کتاب اعتقادات در این زمینه می‌نویسد: «عقیده ما درباره رجعت این است که آن حق است [و قطعاً به وقوع می‌پیوندد]...» ایشان پس از بیان شواهد

منبر، در سانس‌ها غربی

آنچه که ما را به انتخاب این موضوع

وای دارد جوی است که در دنیای امروز

پیرامون بحث آخرالزمان و منجی خواسته یا ناخواسته ایجاد شده است. حدود ۲۵ یا ۳۰ سال پیش وقتی سخن از آخرالزمان و منجی آخرالزمان می‌شد شاید بعضیها می‌خندیدند و می‌گفتند این جنس حرف‌ها متعلق است به فضای محدود شیعیان و به بچه مسلمان‌ها توصیه می‌کردند که خیلی به این حوزه‌ها نپردازید.

حقیقتا کسانی که فکر می‌کردند بحث منجی مخصوص شیعیان هست کم نبودند. امثال الوین تافلری که دنیای آینده را زیبا مطرح می‌کردند و اصلا علمی به نام فیوچرزم در مغرب زمین بوجود آمد که به علم آینده‌شناسی معروف شد که متخصصین این علم آینده را تعریف می‌کردند و بشر را واجد شرایط خاصی می‌دانستند. پس قرار نبود آینده این قدر تلخ باشد که بشر به منجی نیاز داشته باشد. اما امروز چه؟ آیا امروز هم وضعیت دنیا این گونه است؟ آیا باورمند بودن سنت منجی مختص به شیعیان است؟ آیا ما هستیم که فرجام کار عالم را این همه تار می‌بینیم.

حقیقت اینست که نه ما بد می‌بینیم و نه دیگران خوش‌بین هستند. حقیقت اینست که امروز اگر کسی نظر فرانسکو فوکویاما صحبت از پایان تاریخ می‌کند و این که عالم به نهایت رشد و ترقی در حوزه‌های مدرنیته رسیده است و مسیح ثانی به زعم فوکویاما متولد شده و یک لیبرال دموکرات و یک لیبرال مسیحی است. خودشان نیز به خوش‌باوری ۵ سال پیش خود می‌خندند. خیلی از باورهای ما به ضمیر ناخودآگاه ما بر می‌گردند. در ضمیر ناخودآگاه ما قسمت‌های مشترک را می‌توان جست که صرف نظر از دین و نژاد و سرزمین در همه انسان‌ها وجود دارد. مثلاً باورمند بودن نسبت به یک ابرمرد و قهرمان. در ضمیر ناخودآگاه جمعی اکثر اقوام بشری هست. اگر ما اسطوره‌های کهن اقوام آفریقایی را هم بخوانیم ابرمردی را توصیف می‌کنند که در واقعه واجد تمام توانایی‌هایی فوق بشری است و در واقع به عنوان انسان آرمانی خود معرفی می‌کند. به اساطیر ایرانی هم رجوع کنیم چنین فردی را می‌یابیم. حتی اقوام و ملل کم عمق و بی‌ریشه‌ای مثل آمریکا هم همین طور است. آنها هم یک سوپرمن دارند. حال چرا همه اقوام چنین ابرمردی را دارند؟ شاید نیاز به داشتن ابرمرد در نهاد ما وجود دارد که ناگزیریم بر اساس آن نیاز چنین تعریفی و ما به ازای بیرونی را عرضه کنیم. شاید نیاز به یک ابرمرد در ضمیر ناخودآگاه جمعی ما نهاده شده است. در فطرت ما انتظار یک ابرمرد جایش خالی است. ریشه مشترک مفهومی مانند قربانی نیز همین موضوع را مطرح می‌کند. قربانی کردن یعنی گذشتن از موضوعی یا مفهومی یا موضوعی یا موجودی برای رسیدن به مفهوم و موضوع برتر. از دیگر بارهای مشترک می‌توان باورمند بودن به عالم پس از مرگ نام برد. در باور اکثر اقوام و ادیان برای روزگار، پایانی است و قبل از فرارسیدن این پایان دوران سختی برای بشر در پیش است و پس از آن منجی ظاهر می‌کند که این منجی در فرهنگ‌ها و ادیان اسامی متفاوتی دارد. ولی در این که منجی وجود دارد تردیدی نیست و به دنبال ظهور او جدالی میان او و دشمنانش شکل می‌گیرد و نهایتاً دنیای آرمانی شکل می‌گیرد. اگر باور مشترکی در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر (نمی‌گوییم فطرت، چون در حوزه دین به مسئله پرداخته‌ایم. مطالب را در بین اقوام و ادیان بررسی می‌کنیم). مشترک بود عقل سلیم به ما می‌گوید که یک مابه ازای بیرونی برای این باور مشترک وجود

دارد. صرف نظر از این قیاس متیولوژیک و اسطوره‌ای، امروزه در مغرب زمین به بحث آخرالزمان و منجی به صورت جدی نگاه می‌کنند.

بر مبنای باور اوانجلیست‌ها الگوی آخرالزمانی دنیا عمدتاً در منطقه خاورمیانه تعریف می‌شود و منطقه فلسطین کامل اشغالی نقش مهمی دارد و جدال نهایی مسلمانان از یک سو و مسیحیان و یهودیان از سوی دیگر در می‌گیرد و معتقدند در آن نبرد نهایی که در منطقه حار مجدون (ته‌ای که در بیرون اورشلیم است) تمام سپاه خیر در مقابل تمام سپاه شر قرار می‌گیرد. و نهایتاً به زعم آنها سپاه شر (که لایب مسلمان‌ها هستند) شکست می‌خورند و البته در این برد دو سوم یهودیان کشته می‌شود. این تصور بر مبنای باور آخرالزمانی آرمادکون شکل گرفته است. اگر شما مایل به مطالعه هستید، اخبار پیشگویی‌های انجیلی در مورد آخرالزمان در کتاب مقدس باب مکاشفات یوحنا آخرالزمان را خواهید یافت. جالب است بدانید که این باور در سالهای اخیر بسیار رشد کرده است و هالیوود و رسانه‌های غربی نقش عمده‌ای در ترویج این تفکر داشته است. تا جایی که جوان امروز آمریکایی یا اروپایی شاید بیش از جوانان ایرانی نگاه آخرالزمانی پیدا کرده است. نگاه آخرالزمانی یعنی اینکه پایان تاریخ نزدیک است. دوران فتنه فرا می‌رسد. جدال نهایی بین خیر و شر در شرف وقوع است و در این نبرد باید مردانه ایستاد و در نهایت از طرفداران خیر بود. در یک باور آخرالزمانی مشترک نه تنها همه اقوام و ادیان و اساطیر به دوران فتنه‌های آخرالزمانی باور دارند بلکه به وجود منجی و دجال هم باورمندند؛ منتهی صفات این منجی و دجال متفاوت است. در باور یهودیان، مسیحی که ظهور کرده (همان مسیح حقیقی) مسیح کذاب است ولی می‌گویند مسیح حقیقی در آخرالزمان فرا می‌رسد و پادشاه حقیقی قوم یهود است و قوم یهود را به سروری عالم می‌رساند. مسیحیان معتقدند که همان مسیحی که به باور آنها مصلوب شد از آسمان رجعت می‌کند با نام نازارین که همان گویش ناصری ماست و پادشاه عالم می‌شود و دشمنان را سرکوب می‌کند و زرتشتیان معتقدند که سوشیانت چنین فردی است... هر کس باور خود را دارد. اما در باور دجال نکات قابل تأملی است: مسیحی‌ها تلفیقی از دجال و صفیانی را معتقدند که به عنوان دشمن اصلی مسیح مطرح می‌شود. که از او به عنوان یک آنتی‌کرایست یا ضد مسیح نام می‌برند. به عبارت دیگر آنتی‌کرایست تلفیق فریب‌کاری و قدرت و خون‌ریزی و ستمگری است. که در واقع سه سلسله سپاه شر است. طبعاً چون دشمن را مسلمانان می‌دانند ضد مسیح آنها صفاتی را دارد که از چپتی شبیه منجی ما مسلمانان است. که ما می‌توانیم حدس بزنیم که امام زمان ما را، آنها آنتی‌کرایست تلقی کنند. در صورتی که در باور ما عکس این ماجرا است. در باور ما وقتی حضرت حجت ظهور می‌کنند حضرت مسیح هم رجعت می‌کند و به ایشان اقتدا می‌کنند و همین زمینه ایمان آوردن بسیاری از مسیحیان عالم می‌شود. ما نیامده‌ایم به قیمت اثبات امام معصوم خود پیامبر آنها را در واقع تکفیر کنیم و ضد ارزش نشان

بدهیم و یا در واقع او را دجال نشان

دهیم؛ ولی رقیب این کار را می‌کند

و از طریق رسانه‌های تصویری

کاملاً سعی دارد ولو غیر مستقیم

تصویر دجال یا آنتی‌کرایست

را با تصویر امام زمان ما یکی کند. کافیت در

یکی از جستجوگرهای قوی اینترنتی کلماتی چون

پیشگویی‌های انجیل، آنتی‌کرایست، نازارین، و آخرالزمان را

جستجو کنید تا ببینید چند ده هزار مقاله و سایت به شما معرفی

می‌شود. ماهواره نیز تعدادی شبکه دارد که بصورت ۲۴ ساعته

برنامه‌های مذهبی پخش می‌کند که اکثر آنها به مسیحیان و

یهودیان و اندکی مسلمانان متعلق است. یکی از این شبکه‌های

بسیار معروف ماهواره TBN است، که متعلق به کلیسای

اوانجلیست‌ها می‌باشد (مسیحیان تبشیری) در این شبکه تمام

برنامه‌ها بر محوریت آخرالزمان تعریف شده‌اند. شخصی بنام

هایلینزی که از ۴۰ سال پیش بر مبنای پیش‌گویی‌های کتاب

مقدس به عرضه اخبار آخرالزمانی پرداخته است در این شبکه

سخنرانی هفتگی دارد. این شخص در سخنرانی هفته اخیرش

به صراحت از نبرد دنیای مسیحیت با اسلام سخن به میان

آورد. آنقدر افراطی بود که می‌گفت «که چرا جرج بوش رئیس

جمهور محبوب ما با سلاطین برخی کشورهای غرب مثلاً شاه

اردن مذاکره کرده است! او نمی‌داند که هر شاه عرب چه مار

هفت خطی است و ما در نهایت باید با تک تک آنها بجنگیم.

انجیل می‌گوید که ما باید با اینها بجنگیم. چرا رئیس جمهور

آمریکا با آنها مذاکره می‌کند؟» در این سخنرانی تأکید می‌کرد

«که من ۴۰ سال است که پیش‌گویی‌های انجیل را دنبال

می‌کنم و بر مبنای این دانش ۴۰ ساله می‌گویم هیچ زمانی مثل

امروز حوادث آخرالزمانی قریب‌الوقوع نبوده و اخبار آخرالزمانی

با هم جمع نشده بودند و هیچ زمانی مثل امروز پتانسیل مرحله

آخرالزمانی را نداشته است. الان عصری است که تمام علائم ما

در حال محقق شدن است.»

پس ما باید بدانیم بر مبنای آموزه‌های چنین افرادی

سیاست‌های خارجی ابرقدرت‌ها شکل می‌گیرد. بسیاری از

کارشناسان، حمله آمریکا به عراق را یک دیوانگی سیاسی

می‌دانستند. پس وقتی از نگاه آخرالزمانی به این کار نگاه

کنیم این کار منطقی است؛ یعنی آمریکا در منطقه خاورمیانه

پایگاه‌هایی را می‌گیرد که همه در پیش‌گویی‌های آخرالزمانی

منطق دارند. به این صورت که آرایش نیروهایشان را به صورت

آخرالزمانی چیده شود.

پس یعنی ایران مشغول جمع کردن دنیای اسلام به دور خود می‌باشد.

بحث آزادی فلسطین را که مطرح کرده است و حتماً سلاح اتمی را

دارد پس این آخرالزمان است یعنی الگوئی که در کنار مرزهای ما

چیده می‌شود یک الگوی آخرالزمانی است. مشاورین نزدیک جرج

بوش، اعضای اصلی اوانجلیکن هستند.

از خانم رایس تا جرجی فایلر این تفکر

را دارند...



ZORRO

ناخودآگاه به سمت تو تمایل دارد
ماندهام بی تو چرا باغچهام گل دارد
فرش گسترده و در دست گلایل دارد
ماه مخفی شدنش نیز تعادل دارد
می خرم از پسرک هر چه تقال دارد
یک قدم مانده زمین شوق تکامل دارد
تکیه بر کعبه بزن، کعبه تحمل دارد...

جمعه‌ها طبع من احساس تغزل دارد
بی تو چندیتست که در کار زمین حیرانم
شاید این باغچه ده قرن به استقبالت
تا به کی یکسره یکریز نیاشی شب و روز
کودکی فال فروش است و به عشقت هر روز
یازده پله زمین رفت به سمت ملکوت
هیچ سنگی نشود سنگ صبور، تنها

تکیه بر کعبه بزن!

* سید حمیدرضا برقعی

آداب منتظران ظهور

* مهدی نیلی پور

محقر خود را، مسکن خود قرار دهید، همانند کسی که در آتش گداخته می‌سوزد، دندان روی جگر بگذارید و خدا را بسیار زیاد یاد کنید که یاد خدا بزرگ‌ترین پناه‌گاه است؛ اگر بدانید...
۸. گرفتن معارف دین از دین‌شناسان امین و رجوع به علما.
۹. آمادگی نظامی.
۱۰. دعا: حضرت صادق (علیه السلام) خطاب به ابن سنان فرمودند: «به زودی در شبهه‌ای خواهید افتاد و بدون نشانه‌ای نمایان و امامی رهنما خواهید ماند. از این شبهه رهایی نیاید مگر آن کس که دعای غریق را بخواند. عرض کردم دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک؛ خدایا! بخشایش‌گر! مهربانا! ای دگرگون‌ساز



در دوران غیبت امام عصر (علیه السلام) و در دوره انتظار ظهور حضرتش، آداب و اخلاقی برای پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و روایات ترسیم شده است که آشنایی و انجام آنها، راه نجات و رمز عبور سالم از این بحران می‌باشد. در روایات اهل بیت (علیهم السلام) دورمای بحرانی و سخت برای ایام غیبت ترسیم شده است و ضرورت ایجاب می‌نماید نسبت به آداب و اخلاق این دوره آموزش‌های کافی را دیده باشیم؛ خداوند در این خصوص می‌فرماید: «ای اهل ایمان، در کار دین صبور باشید، یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مراقب کار دشمن و خداترس باشید، شاید رستگار شوید». حضرت باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: «یعنی صبور باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را به صبر و مقاومت در برابر دشمنان سفارش کنید و عهدتان را با امام منتظران محکم کنید».

در اینجا به چند صفت از صفات اخلاقی که لازمه یک شخص منتظر است می‌پردازیم:

۱. ورع و رعایت محاسن اخلاقی: امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار کشد و در حالی که منتظر است، پارسایی و اخلاق نیک را در پیش گیرد. اگر (با چنین حالتی) از دنیا برود و بعد از مرگ او، قائم (علیه السلام) قیام کند، همانند اجر کسی را دارد که قائم را درک نموده است. پس (در کار و عمل) بکوشید و منتظر باشید، گوارایان باد ای جماعت مشمول رحمت».
- آن حضرت می‌فرمایند: «صاحب این امر (امامت) غیبتی دارد که در آن روزگار، دیندار همانند کسی است که خار مغیلان را با دست خویش خرد کند. امام سپس، اندکی خاموش ماند و آنگاه فرمود: صاحب این امر را غیبتی است، پس باید که بنده از خدا بترسد و به دین خویش چنگ آویزد».
۲. پرهیز از شکاکیت و پیروی از راه ائمه پیشین.
۳. سفارش یکدیگر به صبر: سید ابن طاووس، در کتاب «اقبال» از وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه روز غدیر این گونه آورده است: «سورة العصر درباره حضرت علی (علیه السلام) نازل شد و تفسیرش اینکه: «و» سوگند به پروردگار «عصر» قیامت که «همانا انسان در زیان است»؛ یعنی دشمنان آل محمد (صلی الله علیه و آله) «مگر کسانی که ایمان آوردند» به ولایت ایشان «و» کارهای خوب انجام دادند» به همدردی کردن با برادرانشان «و» یکدیگر را به صبر سفارش دادند» در زمان غیبت غایبشان...».

«منتظر از سفارش کردن یکدیگر به صبر آن است که مؤمن به فرزندان، نوادگان، خاندان و عبال، عشیره و برادران دینی، دوستان خویش و دیگر مؤمنان سفارش و امر به یقین داشتن به حضرت قائم (علیه السلام) و صبر کردن در زمان غیبت آن حضرت بر طولانی شدن زمان غیبت و بر آنچه از آزار دشمنان و جفای دوستان و غیر اینها... می‌بینند به اینکه خوبی‌های صبر را برایشان باز گوید و...»

۴. دوری از صفات ناپسند مردم آخرالزمان: امام ششم (علیه السلام) فرمودند: «... پس در این موقع بترسید و از خداوند متعال نجات را خواهان شوید و بدانید که مردم مورد خشم الهی قرار گرفته‌اند و تنها خداوند آنها را مهلت می‌دهد به خاطر امری که اراده کرده برایشان و لذا در این هنگام آرزومند ظهور و فرج باش و تلاش کن برای اینکه خداوند عزوجل تو را در خلاف آن چیزی (آن اعمالی) که مردم بر آن هستند، ببیند».
۵. اختیار گمنامی و پرهیز از شهرت کاذب و حفظ زبان.
۶. زمینه‌سازی ظهور: پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «از مشرق زمین، مردمی قیام می‌کنند و زمینه را برای (ظهور) مهدی (علیه السلام) آماده می‌سازند».
۷. ذکر کثیر و عبادت: امام علی (علیه السلام) فرمودند: «خانه‌های

دل‌ها! دل مرا بر دینت استوار گردان،» عرض کردم ای دگرگون‌ساز دل‌ها و اندیشه‌ها! دل مرا بر دینت استوار گردان، فرمود: «البته خدای دگرگون‌ساز دل‌ها و اندیشه‌هاست، اما تو همان بگو که من می‌گویم: ای دگرگون‌ساز دل‌ها! دل مرا بر دینت استوار ساز».

همچنین از سید بن طاووس دعایی در ضمن حدیث غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) نقل شده که به ذکر آن می‌پردازیم.
راوی می‌گوید عرض کردم: شیعیان چه کار کنند؟ فرمود: بر شما باد بر دعا کردن و انتظار فرج کشیدن تا آنجا که می‌گوید: عرضه داشتم: به چه چیزی دعا کنیم؟ فرمود: می‌گویی: «بارخدا! تو خودت و فرستادها و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناسانیدی، بار خدایا من نکیرم جز آنچه تو عطا کنی و هیچ نگهدارنده‌ای جز تو برایم نیست، بارخدا! مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم را پس از آنکه هدایت کرده‌ای منحرف ممانا، بار خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای، هدایت فرما».

۱۱. مراجعه به کتب دانشمندان امین و اصیل.
۱۲. همکاری بین شیعیان و حدیث‌شناسی.
۱۳. مسئولیت‌پذیری نسبت به شیعیان: همانا کسی که متکفل ایتم آل محمد (صلی الله علیه و آله) شود، آنان که از امامشان جدا شده و در جهل خود سرگردان مانده و در دست شیاطین و ناصیبان از دشمنانمان اسیر گشته‌اند، پس آنان را از پنگال شیاطین و دشمنان ما نجات داده، از حیرتشان بیرون برد و شیاطین را با رد و سوسه‌هایشان سرکوب نموده، ناصیبان را با دلایل پروردگارشان و دلیل امامشان مقهور سازد. چنین کسانی نزد خداوند به بلندترین جایگاه از بندگان برتری یابند، بیش از فضیلت آسمان بر زمین و بیش از فضیلت عرش و کرسی و خُجُب بر آسمان و برتری آنها بر این عابد همچون امتیاز ماه شب چهارده بر مخفی‌ترین ستاره در آسمان می‌باشد».

- در اینجا به فهرستی از تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت حجت (علیه السلام) در دوران غیبت که در کتاب شریف «مکیال المکارم» گردآوری شده، اشاره می‌کنیم:
۱. تحصیل صفات و آداب ویژه آن حضرت،
۲. رعایت ادب نسبت به یاد او،
۳. محبت او به طور خاص،
۴. محبوب نمودن او در میان مردم،
۵. انتظار فرج و ظهور آن حضرت،
۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار،
۷. ذکر مناقب و فضایل آن حضرت،
۸. اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت،
۹. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت و تشکیل آن مجالس،

۱۰. سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت،
۱۱. قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت،
۱۲. گریستن، گریاندن و خود را به گریه‌کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت،
۱۳. درخواست معرفت امام عصر - ارواحنا له الفداء - از خداوند متعال،
۱۴. تداوم درخواست معرفت آن حضرت،
۱۵. دعا در زمان غیبت آن حضرت،
۱۶. شناختن نشانه‌های ظهور،
۱۷. تسلیم بودن و عجله نکردن،
۱۸. صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت و انجام اعمال واجب و مستحب به نیابت از ایشان،
۱۹. سعی در خدمت کردن به آن حضرت،
۲۰. تجدید بیعت با ایشان در هر روز و هر لحظه.